

# مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان روش آموزش

## فلسفه برای کودکان

دکتر مژگان رشنجی

دکتر ارشیا کیوانفر

اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

### چکیده

هدف مقاله حاضر نشان دادن اهمیت «اجتماع کندوکاو» در آموزش فلسفه برای کودکان است. در همین راستا، رویکردهای علمی متفاوتی که پایه‌های «اجتماع کندوکاو» را تقویت می‌کنند و در نتیجه، موجب تقویت بنیان آموزش فلسفه به کودکان می‌شوند بررسی شده است. در این مقاله سعی می‌شود نشان داده شود اجتماع کندوکاو دارای پشتوانه رویکردهای آموزشی - روان‌شناسی است. همچنین درباره نظریه ویگوتسکی در مورد رشد تفکر و زبان، به عنوان پیش‌زمینه اجتماع کندوکاو به طور اجمال بحث می‌شود. این نظریه در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از متخصصان علوم تربیتی در حیطه آموزش به کودکان قرار گرفته است و می‌تواند در چگونگی به کارگیری آموزش فلسفه به کودکان راهگشا باشد.

### مقدمه

«فلسفه»، کلمه‌ای برگرفته از زبان یونانی باستان و به معنی عشق به حکمت است. یونانیان، فلسفه را شیوه پرسش و حل مسئله می‌دانستند و به مطالعه چراها روی

فرهنگ، ۶۹؛ بهار ۸۱؛ صص ۵۸-۲۹

می‌آوردند. ممکن است بعضی تصور کنند که نمی‌توان به کودکان فلسفه آموخت. باید توجه داشت منظور از آموزش فلسفه به کودکان، آموزش فلسفه کلاسیک افلاطون، کانت، ارسطو و دیگر اندیشمندان نیست، بلکه آموزش نوعی گفت‌وگوی گروهی است که کلاس را از شکل سنتی معلم - محور و انتقال مطالب از پیش آماده‌شده به شاگردان خارج می‌کند. فلسفه به کودکان امکان می‌دهد تا به جای حفظ موضوعات درسی، آنها را سبک و سنگین کنند و درمورد آنها داوری کنند. آموزش فلسفه به کودکان، هوش کودکان را بالا می‌برد و توانایی آنها را درمورد مسائل اخلاقی پرورش می‌دهد. شایان ذکر است که آموزش فلسفه به کودکان، پرداختن به موضوعات کودکانه که از سرگنجکاوای مطرح می‌شوند نیست، بلکه منظور، طرح موضوعاتی است که کودکان را به تفکر وامی‌دارد و آنها را نسبت به مسائل اطرافشان دقیق‌تر می‌کند.

«اجتماع کندوکاو»، چارچوب مناسبی را برای تمرین راهکارهای فلسفه فراهم می‌کند؛ اجتماع کوچکی که به کودکان امکان می‌دهد از فعالیت‌های اجتماعی و بیرونی به فعالیت‌های فردی و درونی یا ذهنی برسند. در این چارچوب، کودکان می‌توانند کندوکاو را با مشارکت و همیاری معلم و همکلاسان تمرین کنند و پس از آنکه آن را یاد گرفتند، به تنهایی نیز بتوانند به آن روی آورند. به‌طور کلی، برای اینکه کودکان یاد بگیرند چگونه به تنهایی فکر کنند، باید در کار باهم فکر کردن مشارکت کنند. اجتماع کندوکاو نوعی فعالیت مشارکتی است و محیط مناسبی را برای تبادل نظر فراهم می‌کند که طی آن، کودکان می‌توانند از یکدیگر سؤال کنند، برای یکدیگر دلیل بیاورند و به دیدگاه‌های یکدیگر گوش فرا دهند.

### پیش‌زمینه آموزشی و روان‌شناسی

اجتماع کندوکاو در نحوه آموزش خود بر رویکرد یادگیری مشارکتی استوار است که بر اساس آن، نوآموزان در گروه‌های کوچک یا دو نفره فعالیت می‌کنند. السن<sup>۱</sup> و کگان<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) اعتقاد دارند، در این رویکرد، یادگیری به شکل گروهی است و طوری سازمان داده شده است تا اطلاعات بین اعضای گروه‌ها رد و بدل شود و آنان خود مسئول یادگیری‌شان باشند. به علاوه، این رویکرد آموزشی انگیزه لازم را به فراگیرندگان می‌دهد تا امکان یادگیری دیگران را نیز افزایش دهند. یکی از اهداف یادگیری مشارکتی این است که فراگیری همه دانش‌آموزان را بالا ببرد، به شکلی که هم کودکان با هوش بالا و هم کودکان با هوش متوسط بتوانند با مشارکت و تبادل اطلاعات با یکدیگر، یاد بگیرند. معمولاً در کلاس‌هایی که معلم محور هستند همیشه این خطر وجود دارد که کودکان ضعیف‌تر در کلاس نادیده گرفته شوند و فرایند آموزش به نفع کودکان قوی‌تر پیش رود. با هم یادگرفتن، بنیان روابط دوستانه بین اعضای کلاس را برقرار می‌کند و هنگام بحث کردن تفاوت عقاید موجب بروز خصومت نمی‌شود و به رشد مهارت‌های تفکر نقادانه در کودکان کمک می‌کند. (ریچاردز<sup>۳</sup> و راجرز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱)

بر اساس رویکرد آموزشی مشارکتی، در اجتماع کندوکاو، کودکان آزادانه تبادل نظر می‌کنند و به نظریات یکدیگر احترام می‌گذارند و به همه کودکان فرصت داده می‌شود تا در بحث مشارکت کنند و همین اصل موجب می‌شود کودکان اعتماد به نفس لازم را به دست آورند و باور کنند دارای توانایی‌های بالقوه ارزشمندی هستند. اجتماع کندوکاو، مهارت شنیداری شاگردان را تقویت می‌کند

1. Olsen, R.
2. Kegan, S.
3. Richards, J.C.
4. Rodgers, T.

تا به آنچه گفته می‌شود خوب گوش فرا دهند، در ذهن خود به دنبال پاسخ‌های مناسب بگردند، دلیل بیاورند، به مسائل از دید دوستان خود نگاه کنند و در صورت لزوم، نظریات خود را تغییر دهند. به عبارت دیگر، وظیفه رویکرد اجتماع کندوکاو این است که خردمنداندیشی را به شاگردان آموزش دهد. اسپلیتر و شارپ (۱۹۹۲)، ص ۶) معتقدند:

خردمنداندیشی تمایلی اجتماعی است و فرد خردمند به دیگران احترام می‌گذارد و آماده است تا نظریات و احساسات آنها را در نظر بگیرد، تا جایی که حاضر است نظریات خود را در مورد موضوعات مهم تغییر دهد و آگاهانه اجازه دهد دیدگاهش توسط دیگران تغییر یابد. به عبارت دیگر، او خواهان این است که بلاو بحث منطقی شود.

امتیاز اجتماع کندوکاو به یادگیری مشارکتی، این است که در این نوع فعالیت، کودکان علاوه بر با هم فکر کردن، برای خود فکر کردن را نیز فرا می‌گیرند. فلسفه معمولاً کاری دانسته می‌شود که در تنهایی انجام می‌گیرد و اینکه کودکان بیاموزند به‌طور گروهی فکر کنند و همه با هم از دانش‌آموزان باهوش گرفته تا دانش‌آموزان معمولی و ضعیف سعی کنند پاسخی برای سؤالات فلسفی بیابند از نکات مثبت رویکرد اجتماع کندوکاو است.

دومین نکته‌ای که باید به آن اشاره شود، پیش‌زمینه روان‌شناسی اجتماع کندوکاو است که درک وجود آن را آسان‌تر می‌کند. تشکیل گروه‌ها در اجتماع کلاس به‌شکلی که کودکان دور هم بنشینند و یکدیگر را ببینند و با هم صحبت کنند، از روان‌شناسی انسان‌گرایانه سرچشمه می‌گیرد. براساس این نظریه، دانش‌آموز، «فردی» است با دیدگاه مشخص نسبت به محیط اطراف، و وظیفهٔ تعلیم و تربیت این است که به‌جای تحمیل عقاید به وی، بکوشد نظریات او را درک کند. در این نوع تعلیم و تربیت، دانش‌آموزان با یکدیگر تفاوت دارند و هدف این است که به آنان

مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان... ۴۳

کمیته کنیم تا به جای اینکه شبیه یکدیگر شوند، به خودشان شباهت پیدا کنند. (هاماچک، ۱۹۷۷: ۱۴۹؛ نقل از ویلیامز<sup>۱</sup> و بردن<sup>۲</sup> ۱۹۹۷)

«خود» مضمون اصلی روان‌شناسی انسان‌گرایانه و همان نقطه تمایز هر فرد با فرد دیگر است؛ به عبارت دیگر، «خود» هر فرد، منحصر به فرد است (لوفرانسوا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱). بنابراین، اینکه هر فرد درباره هر موضوع چه فکر می‌کند، چه حس می‌کند و چه برداشتی از روابط بین افراد دارد، همساز با روان‌شناسی انسان‌گرایانه است. اما فردیت هر فرد با اجتماع تضادی ندارد، یعنی فرد در جمع گم نمی‌شود. اگرچه اجتماع کندوکاو، یک مجموعه است، مجموعه‌ای ناهمگن که نظریات و عقاید در آن متفاوت‌اند. فرد یاد می‌گیرد، با حفظ فردیت خود، در گفت‌وگوی گروهی مشارکت کند و هم در قبال عقاید دیگران و هم در بیان عقاید خود احساس مسئولیت کند. ناهمگن بودن اجتماع کندوکاو موجب می‌شود هر فرد به‌طور مستمر از خود به اجتماع توجه کند و از اجتماع به خود بازگردد.

### ویگوتسکی<sup>۴</sup>، تفکر و زبان

با پرداختن به نظریه ویگوتسکی در مورد تفکر و زبان و نقش تعامل اجتماعی در رشد تفکر، می‌توان بنیان فکری اجتماع کندوکاو و نقش آن در آموزش به کودکان را بررسی کرد. لو ویگوتسکی، روان‌شناس روس، نظریه‌های جالبی در مورد تفکر و زبان مطرح می‌کند. به نظر وی، رشد تفکر و زبان با یکدیگر موازی نیست؛ منحنی رشد آنها با یکدیگر تلاقی می‌کند، تفکر و زبان در مقاطعی از یکدیگر فاصله می‌گیرند و دوباره به یکدیگر می‌رسند و حتی ممکن است با هم یکی شوند. تفکر و

1. Williams, M.

2. Burden, R.L.

3. Lefrancois, G.R.

4. Vygotsky, L.S.

زبان ریشه‌های متفاوت ژنتیکی دارند، اما در دوره‌ای از کودکی با یکدیگر تلاقی می‌کنند. (ویگوتسکی، ۱۹۶۲).

ریشه‌های غیر فکری گفتار در رشد کودک (مانند گریه کردن، غان و غون کردن یا همان صداهایی که قبل از تکلم معنی‌دار تولید می‌شود و حتی کلمات اولیه)، اولین مراحل رشد زبانی را تشکیل می‌دهند و هیچ ارتباطی به رشد تفکر ندارند. به عبارت دیگر، در سال اول رشد، زبان کودک نقش اجتماعی دارد و نشانی از رشد فکری در آن دیده نمی‌شود. در دوسالگی منحنی‌های رشد تفکر و گفتار تلاقی می‌کنند و به یکدیگر متصل می‌شوند. در همین زمان است که گفتار به خدمت تفکر درمی‌آید و کودک شروع به بیان افکارش می‌کند. در ابتدا گفتار «خودمدار»<sup>۱</sup> است و همین «گفتار خودمدار» موجب رشد تفکر می‌شود. در این نوع گفتار، کودکان با خود سخن می‌گویند و با این کار به تفکر خود توجه می‌کنند. در نتیجه، کودکان بر تفکرات خود مسلط و دارای رفتار خودمحور می‌شوند، در رفتارهایشان کمتر از گزینه پیروی می‌کنند و بیشتر به تفکر در مورد مسائل روی می‌آورند. اما در مرحله بعدی رشد، نقش گفتار تغییر می‌کند، درونی می‌شود و کم‌کم تفکر اجتماعی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، تفکر، تحت تأثیر گفتار درونی رشد می‌کند.

به‌طور کلی، روند رشد زبان کودک به سه مرحله تقسیم می‌شود: گفتار بیرونی<sup>۱</sup>، گفتار خودمدار، گفتار درونی<sup>۲</sup>. در مرحله سوم، زبان، علاوه بر نقش بین فردی، نقش درون فردی می‌یابد. در این مرحله، کودکان، روش رفتاری خاصی را که قبلاً در ارتباط با فرد دیگری به کار می‌بردند، در مورد خودشان به کار می‌برند و

- 
1. egocentric speech
  2. external speech
  3. inner speech

فعالیت‌هایشان را با توجه به شکل اجتماعی رفتار شکل می‌دهند. درونی شدن گفتار اجتماعی و اجتماعی شدن هوش عملی کودکان، در واقع از یک روند پیروی می‌کند. به نظر ویگوتسکی، دلیل درونی شدن گفتار، تغییر نقش آن است. رشد زبان تابع رشد ذهنی کودک است، مانند استفاده از نشانه‌ها و شمردن و حفظ کردن مفاهیم. این **عمل** معمولاً در چهار مرحله اتفاق می‌افتد. مرحله اول، «مرحله طبیعی یا ابتدایی»<sup>۱</sup> است که به گفتار پیش از تفکر و تفکر پیش از گفتار مربوط می‌شود. در این مرحله، این دو عمل، به همان شکل ابتدایی خود را نشان می‌دهند. مرحله بعدی را «روان‌شناسی کودکانه»<sup>۲</sup> می‌نامیم. در طی این دوره، کودک، مشخصات خاص بدن خود و اشیای پیرامونش را تجربه می‌کند و این تجربه را در استفاده از ابزار به کار می‌گیرد. در این مرحله، با اولین جرقه‌های هوش عملی کودک روبه‌رو می‌شویم. این همان مرحله رشد زبانی کودک است که طی آن، کودک از ساختارهای نحوی به درستی استفاده می‌کند، بدون اینکه ارتباط منطقی بین اجزای زبانی را درک کرده باشد. در این مرحله، کودک، بدون درک نحو تفکر، در نحو زبان استاد شده است. (ویگوتسکی ۱۹۶۲)

مرحله سوم، مرحله «گفتار خودمدار»<sup>۳</sup> است که طی آن، کودک می‌تواند با انگشتانش بشمارد، از حافظه خود کمک بگیرد و برای مسائل درونی خود راه‌حل‌های بیرونی بیابد. مرحله چهارم، مرحله «رشد درونی»<sup>۳</sup> نامیده می‌شود. اعمال بیرونی به درون بازمی‌گردند و در این روند، تغییر عمیقی رخ می‌دهد. کودک می‌تواند در ذهنش بشمارد و از حافظه منطقی خود استفاده کند. این، مرحله نهایی در مراحل مختلف رشد گفتار است. در این مرحله، گفتار، درونی و بی‌صدا می‌شود.

1. primitive / natural stage
2. naive psychology
3. ingrowth stage

تعامل مداوم بین اعمال بیرونی و درونی موجب می‌شود یک شکل به‌طور مداوم به شکل دیگر تغییر یابد، به این معنی که شکل گفتار درونی به گفتار بیرونی خیلی نزدیک می‌شود، یا حتی دقیقاً به شکل آن درمی‌آید؛ به‌ویژه وقتی که خود را آماده گفتار بیرونی می‌کند (مانند آماده‌شدن برای سخنرانی). ویگوتسکی (۱۹۶۲) معتقد است مرزبندی دقیقی بین رفتار درونی و بیرونی وجود ندارد و هریک دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر ویگوتسکی (۱۹۷۸)، هر کنشی در رشد فرهنگی کودک دو بار ظاهر می‌شود: ابتدا در سطح اجتماعی و سپس هر سطح فردی. به عبارت دیگر، ابتدا بین افراد و سپس درون کودک. این امر در مورد توجه ارادی، حافظه منطقی و شکل‌گیری مفاهیم نیز صادق است. تمامی کنش‌های روانی خاستگاه روابط بین افراد هستند.

محرك اصلی رشد کودک، از نظر ویگوتسکی (۱۹۶۲، ۱۹۷۸، ۱۹۸۱)، رشد زبان است، چراکه کودک از طریق زبان در فعالیتهای اجتماعی و ذهنی شرکت می‌کند؛ یعنی اصول و مکانیسم‌های رشد شناختی از نشانه‌های زبانی که کودک در تعامل با دنیای اطراف با آنها مواجه می‌شود، مستقل نیستند. بین رشد زبان و رشد شناخت، تعامل مستمر وجود دارد، به شکلی که تفکر، نه مستقل از زبان و نه علت به‌وجود آمدن آن است. به نظر ویگوتسکی، استفاده از مجموعه نظام‌مند نشانه‌ها، مثل زبان برای رشد کنش‌های ذهنی متعالی<sup>۱</sup> که مختص انسان است، هم در رشد کامل هر ارگانیزم و هم در رشد موجود زنده‌ای به نام انسان ضروری است. به‌طور کلی، رشد زبان در مرکز مسیری قرار دارد که ویگوتسکی آن را «خط اجتماعی رشد»<sup>۲</sup>

1. higher mental functions  
2. social line of development



مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان... ۴۷

می‌نامد که با «خط طبیعی رشد»<sup>۱</sup> در تعامل است. (ویگوتسکی ۱۹۷۸)

منظور ویگوتسکی این است که رشد کودک در دو جهت متفاوت انجام می‌شود. یک جهت مربوط به رشد اجتماعی است که طی آن می‌آموزد ارتباط اجتماعی برقرار کند و در این کار نه تنها زبان به کمکش می‌آید، بلکه نقش اصلی را ایفا می‌کند و جهت دوم، رشد زیست‌شناختی کودک است. رشد اجتماعی در تعامل با رشد زیست‌شناختی کودک است. این تعامل، هم در نمو کامل هر کودک و هم در نمو کامل نژاد انسان تأثیر دارد. خط طبیعی رشد را می‌توان با قوانین زیستی توضیح داد ولی برای توضیح خط اجتماعی باید به دنبال قوانین گشت و نمی‌توان با قوانین زیست‌شناختی آن را شرح داد. به عبارت دیگر، استفاده از زبان (و البته نظام‌های نشانه‌ای) به رشد ساختارهای جدیدی منجر می‌شود و این ساختارها هم بر جنبه‌های مختلف رشد تأثیر می‌گذارند.

### تعامل اجتماعی و رشد شناختی

در بررسی رشد شناختی، رویکرد ویگوتسکی این است که این رشد به رشد زبان وابسته است.

مشارکت کودکان در تعامل‌های اجتماعی عامل اساسی رشد شناخت است. فعالیت‌های شناختی مستقل از روندهای اجتماعی - تعاملی نیستند. اساساً روندهای اجتماعی - تعاملی موجب بروز فعالیت‌های شناختی می‌شوند و به آنها شکل می‌دهند. نظریه ویگوتسکی در مورد ارتباط بین رشد شناخت و تعامل اجتماعی به ویژه تعامل‌های اولیه بین کودک با بزرگسالان یا بین کودک با کودکان بزرگ‌تر را می‌توان چنین خلاصه کرد: همه کنش‌های فکری متعالی دو بار در روند نمو کامل

1. natural line of development

هر کودک نمایان می‌شوند: ابتدا به صورت کنش‌های اجتماعی یا بین‌روانی<sup>۱</sup> و هنگام تعامل با افراد دیگر در اجتماع پیرامون کودک خود را نشان می‌دهند و پس از مدتی از طریق درونی کردن روندهای اجتماعی - تعاملی به صورت فردی یا کنش‌های درون‌روانی<sup>۲</sup> در می‌آیند. (ویگوتسکی، ۱۹۷۸ و ۱۹۸۱)

انتظار به دو مفهوم کلی در نظریه ویگوتسکی ضروری به نظر می‌رسد. مفهوم اول «میانجی‌گری»<sup>۳</sup> است و به نقشی اطلاق می‌شود که افراد بزرگسال در روند یادگیری کودک بازی می‌کنند و با انتخاب روش‌های یادگیری مناسب موجب افزایش سطح یادگیری آنها می‌شوند. در واقع تعامل اجتماعی بین دو یا چند نفر که در سطوح متفاوتی از دانش و مهارت قرار دارند (معمولاً والدین)، موجب می‌شود آنان بتوانند به سطح بالاتری از یادگیری از تقا پیدا کنند. به والدین یا هر فردی با دانش بیشتر که برای یادگیری با کودک تعامل می‌کند «میانجی» گفته می‌شود. مفهوم دوم «منطقه مجاور رشد»<sup>۴</sup> است که ویگوتسکی برای تفسیر مهارت‌های شناختی کودکان مطرح کرده است. منظور از «منطقه مجاور رشد»، لایه‌ای از مهارت یا دانش است که کمی برتر از دانش و مهارت فعلی کودک است (ویلیامز و بردن، ۱۹۹۷) و کودک می‌تواند با کمک دیگران به آن سطح دست یابد.

رفتار کودکان در حل مسئله به دو شکل قابل بررسی است: رفتار آنها وقتی مسئله‌ای را در تعامل‌های اجتماعی حل می‌کنند، به‌ویژه آن دسته از مسائل که با راهنمایی بزرگسالان حل می‌شوند:

- مثل وقتی که مسئله را برای آنها شرح می‌دهند، بعضی قسمت‌های آن را حل می‌کنند و سرنخی به آنها می‌دهند؛

---

1. interpsychological  
2. intrapsychological  
3. mediation  
4. Zone of proximal development

• رفتار کودکان وقتی که می‌توانند مسئله‌ای را خودشان به تنهایی حل کنند. در چارچوب نظریه «منطقه مجاور رشد»، می‌توان گفت تعامل اجتماعی کودک با بزرگسالان این امکان را برای کودکان فراهم می‌کند که قبل از به دست آوردن ظرفیت ذهنی لازم برای تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌هایشان، بتوانند فعالیت‌های پیچیده انجام دهند. کم‌کم رفتارهای منظم بزرگسالان در زمینه‌های تعاملی، جزئی از رفتارهای کودک می‌شوند. حال سؤال این است که: چگونه انتقال از کنش‌های بین‌روانی به کنش‌های درون‌روانی صورت می‌گیرد؟

ویگوتسکی معتقد است روندهای ارتباطی و مهم‌تر از آن، روندهای مربوط به زبان؛ این انتقال را ممکن می‌سازند. دو مشخصه زبان در نظریه ویگوتسکی نقش اساسی دارند؛ یک مشخصه این است که زبان به‌طور طبیعی اجتماعی است و مشخصه دیگر این است که زبان واسطه به‌زمینه است. ویگوتسکی در نظریه خود، در مورد زبان، به علم نشانه‌شناسی<sup>۱</sup> توجه کرده است و به همین علت تأکید وی بر گفتار است و نه زبان، چراکه در گفتار، علاوه بر نشانه‌های زبانی، نشانه‌های غیرزبانی، مانند اشارات و حرکات هنگام حرف زدن نیز در ایجاد ارتباط دخالت دارند. (ویگوتسکی، ۱۹۶۲ و ۱۹۸۱)

از نظر ویگوتسکی، زبان به‌طور طبیعی دارای نقش‌های متعدد است. یکی از نقش‌های اصلی زبان، انتقال مفاهیم انتزاعی و استدلال منطقی و نقش مهم دیگر آن، ایجاد ارتباط از طریق تعامل اجتماعی است. با در نظر گرفتن نظریه «منطقه مجاور رشد»، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که از طریق روندهای ارتباطی که گفتار بیشترین نقش را در آنها دارد، بزرگسالان با کودکان تعامل‌های اجتماعی برقرار می‌کنند و این کار در رشد شناختی کودکان نقش مهمی ایفا می‌کند. این گونه روندهای

ارتباطی برای «منطقه مجاور رشد» نقش محوری دارند، چون وقتی کودکان نمی‌توانند مسائل را حل کنند، بزرگسالان از گفتار و اشارات غیرزبانی به‌طور همزمان برای راهنمایی آنها استفاده می‌کنند و با این عمل، ارتباط اجتماعی خود را با آنها حفظ می‌کنند، توجه آنها را به جنبه‌های مختلف زمینه جلب می‌کنند و از طریق تعامل اجتماعی به آنان کمک می‌کنند تا به نظم فکری دست یابند و از آن در حل مسئله استفاده کنند. برای ویگوتسکی، تفکر فعالیتی هدفمند است که طی روندی موجب رشد شناختی می‌شود. البته شایان ذکر است از نظر او، زبان تنها واسطه تمامی اشکال تفکر نیست. اگرچه او به تعامل بین تفکر و زبان اهمیت خاصی می‌دهد، برای دیگر نظام‌های نشانه‌ای نیز اهمیت قایل است.

اولین مشخصه بارز گفتار به‌طور کلی، طبیعت اجتماعی آن است. گفتار در کودکی خودمدار است و نقشی تفکیک‌شده دارد و فقط فعالیت‌های مستمر و قوه ادراک کودک را در زمینه سخن گفتن همراهی می‌کند و وسیله‌ای برای برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است. اگرچه، استفاده از گفتار نقش مشخص ارتباطی برای کودک ندارد و به‌طور مشخص دیگران را مورد خطاب قرار نمی‌دهد، چون گفتار مرتب در حال رشد است، در مراحل بعدی نقش‌های آن تفکیک می‌شود. نظامی در این گفتار شکل می‌گیرد که در بزرگسالی می‌تواند نقش‌های گوناگونی را برای آنان ایفا کند.

بعضی اوقات بزرگسالان از گفتار استفاده می‌کنند تا با دیگران سخن بگویند. در این هنگام، گفتار، نقشی ارتباطی و اجتماعی دارد و بعضی اوقات به‌نحو درونی استفاده می‌شود و واسطه فعالیت‌های ذهنی متعالی است، مانند مواقع حل مسئله که بزرگسال طرف صحبت ندارد. به عبارتی، «گفتار خودمدار»، گذری است بین مرحله‌ای که نقش زبان تفکیک نشده و مرحله‌ای که نقش آن تفکیک شده است.

مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان... ۵۱

استفاده کودک از گفتار در مرحله‌ای از رشد نشانگر کشف او از نقش جدید زبان است، یعنی نقشی منظم کننده که فعالیت‌های غیرکلامی او را منظم می‌کند. به عقیده ویگوتسکی، «گفتار خودمدار» تغییری است از گفتاری که دارای نقش‌های مختلف و تفکیک نشده است به گفتاری که نقش مشخص اجتماعی و شناختی دارد.

تأکید بر رشد توانایی‌های کودک در کلاس، تعمیم نظریات ویگوتسکی است. یعنی تفکر خلاق و نفاذ آن به درست به همان شکلی درونی می‌شوند که کنش‌های دیگر کودک: کودکان ابتدا به با هم فکر کردن توجه می‌کنند و همین موجب می‌شود تا به نحوه فکر کردن خودشان هم توجه کنند. به عبارت دیگر، اگر کودکان در فعالیت‌هایی مشارکت کنند که نیاز به با هم فکر کردن دارد، در طی این فعالیت‌ها برای خودشان هم فکر می‌کنند. ارتباط اجتماعی با دیگران موجب می‌شود تا کودکان بتوانند در درون خود «خود» را پرورش دهند. تفکر برای خود، انعکاس فکر کردن با دیگران است. استدلال کردن برای خود و با خود، نتیجه استدلال کردن با دیگران است. در نتیجه، برای تربیت انسان‌هایی با قدرت ذهنی بالا که بتوانند خوب فکر کنند باید کودکان در کلاس‌های درس با هم فکر کردن را تمرین کنند و

مربیان نیز در آموزش‌های کلاسی از این روش استفاده کنند (کم، ۱۹۹۵).

تراورس نیز در این مورد با ویگوتسکی هم عقیده است. او معتقد است اجتماع در دو بعد، رشد کودک را پدید می‌آورد. یکی رشد فردی کودک است که از تعامل با دیگران حاصل می‌شود و دیگری توانایی او در ایجاد ارتباط با دیگران (تعامل بین فردی) است که نتیجه گفت‌وگوی هر کودک با اعضای گروه است.

(تراورس، ۱۹۹۷)

### سازندگی گرای اجتماعی<sup>۱</sup>

ژان پیاژه، روان‌شناس فرانسوی، در نظریه سازندگی گرای، بر این اصل تأکید دارد که روند یادگیری براساس طبیعت سازندگی است؛ یعنی هر فرد از بدو تولد فعالانه در کار «ساخت و ساز» معنا و مفهومی از محیط اطرافش است که ممکن است این معنا و مفهوم با درک بقیه افراد از محیط متفاوت باشد. به عبارت دیگر، محیط اطراف و تجربیات حاصل از ارتباط با محیطی که کودک را احاطه کرده است، برای هر فرد مفهوم خاص خود را دارد. یعنی «دانستن»، نتیجه تجربیات شخصی است. همان گونه که از این نظریه پیدا است، برای پیاژه، شناخت، پدیده‌ای تکاملی است و تجربه می‌تواند به شیوه‌های پیشرفته تفکر منتهی شود.

زبان نقشی تسهیل کننده و راهبردی در روندهای فکری دارد و بنابراین باید فرصت تعامل به کودکان داده شود تا با معلمانشان و به‌ویژه با دیگر همکلاسان گفت‌وگو کنند. به عبارت دیگر، شیوه‌های آموزشی باید طوری طرح‌ریزی شوند که امکان فعالیت‌های کلاسی مؤثر را برای کودکان فراهم کنند. باید توجه داشت که در این نظریه، تعامل اجتماعی، متغیر مهمی در رشد تفکر محسوب می‌شود. با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان دو نکته مهم آموزشی را از نظریه پیاژه استخراج کرد: نکته اول این است که بنا بر نظریه سازندگی گرای، باید آموزش‌های معلم‌محور محدود شود، چون در این نوع آموزش، معلم، دریافت‌های خود را از موضوعات مختلف به شاگردان انتقال می‌دهد و در عمل، توانایی تفکر نقادانه و خلاق را از آنان می‌گیرد؛ نکته دوم که در نظریه وی مشهود است و ارزش تعامل اجتماعی را در آموزش منعکس می‌کند، این است که می‌توان هر کودک را در محیط آموزشی تعاملی یک مغز متفکر یا تولیدکننده تفکر تلقی کرد که در حل

1. social constructivism

مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان... ۵۳

مسئله نقش فعالی دارد و می‌تواند مفهوم جدیدی را مطرح کند. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر کودک قادر است در اجتماع کندوکاو نظریاتی را بیان کند که کاملاً تلاشی دارند و ممکن است به ذهن دیگر همسالان و بزرگسالان خطور نکرده باشد. به عبارت دیگر، آمیختن نظریه سازندگی گرایی اجتماعی پیاژه با تعامل اجتماعی می‌تواند در آموزش کارگشا باشد و اهمیت اجتماع کندوکاو را نشان دهد. متیوز<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) با استفاده از شواهد نشان می‌دهد که کودکان می‌توانند تفکرات فلسفی جالبی داشته باشند و آن را با دیگران در میان بگذارند و از این طریق تفکرات فلسفی خود را بهبود بخشند. متیوز معتقد است مشارکت کودکان با بزرگسالان در مورد تفکرات فلسفی کافی نیست و تعامل کودکان با یکدیگر نیز اهمیت خاصی دارد.

یادگیری در خلأ رخ نمی‌دهد و همیشه برای یادگیری نیاز به زمینه یادگیری است. این زمینه مجموعه‌ای از روندهای شناختی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی است؛ در نتیجه، نمی‌توان نقش شرایط محیطی در یادگیری را نادیده گرفت. وقتی از طریق آموزش فلسفه، کودکان یاد می‌گیرند چگونه با مسائل مختلف اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی برخورد کنند، در واقع آموزش می‌بینند چگونه با استفاده از هوش و فکر خود زندگی کنند. اجتماع کندوکاو زمینه یادگیری مناسب را برای آموزش فلسفه به کودکان ایجاد می‌کند. شارپ<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) بر این باور است که «موفقیت اجتماع (کندوکاو) همساز و وابسته به این اصل است که تا چه اندازه فرد بتواند در بیان بی‌همانند فردیت خود موفق باشد». (ص ۳۳)

نقش معلمان باید پدید آوردن اجتماع کندوکاو در کلاس‌های درس باشد. لازم است کودکان به طرح سؤال‌های استنتاجی تشویق شوند. باید به آنان آموزش داد

1. Matthews, G.  
2. Sharp, A. M.

به جای حفظ مطالب و پاسخ به پرسش‌های ارجاعی، عقاید خود را بیان کنند و برای آنها دلیل بیاورند و درعین حال، به عقاید دیگران نیز احترام بگذارند. می‌توان اذعان کرد توجه به اجتماع در کلاس، نه تنها اصل اساسی آموزش فلسفه یا تفکر به کودکان است، بلکه ضرورت استفاده از آن در مورد سایر دروس آموزشی نیز احساس می‌شود.

### فهرست اصطلاحات

**خط اجتماعی رشد و خط طبیعی رشد:** از نظر ویگوتسکی، بین رشد زبان و رشد تفکر تعامل دائمی وجود دارد و تفکر نه مستقل از زبان است و نه از نظر علی بر آن تقدم دارد. بنابراین، استفاده از زبان برای وجه مختلف رشد کنش‌های ذهنی متعالی مختص انسان هم در سیر تکامل فرد و هم در سیر تکامل انواع (نوعبالش) ضروری است. به عبارت دیگر، رشد زبان محور خط اجتماعی رشد است که با خط طبیعی رشد، هم در سیر تکامل فرد و هم در سیر تکامل نوع در تعامل است.

**روانشناسی کودکان:** در این مرحله، کودک می‌تواند از واژگانی مانند چون، اگر، وقتی و اما استفاده کند بدون اینکه روابط سببی، شرطی و زمانی را درک کرده باشد. به عبارت دیگر، گفتارش ریشه در تفکر منطقی ندارد. پیازه نیز نشان داده است که دستور زبان قبل از منطق رشد می‌کند و کودک پیش از آنکه قادر به عملیات ذهنی لازم باشد، می‌تواند از اشکال زبانی درست استفاده کند.

**سازندگی گرایی اجتماعی:** یکی از جنبه‌های چشمگیر نظریات پیازه تأکید وی بر طبیعت سازندگی گرایی در روند آموزش است. براساس این نظریه، چون افراد تعابیر متفاوتی از حقایق دارند، تفاسیر مختلف و حتی متضاد، همه قابل قبول هستند. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که یادگیری را انتقال مجموعه‌ای از دانش و علوم



می‌بیند، فرض اصلی سازندگی گرایی این است که افراد از بدو تولد، براساس تجربیات شخصی خود، به محیط اطراف معنا می‌بخشند و درک شخصی از آن دارند. به عبارات دیگر، هر فرد از دیدگاه خود به محیط اطراف نگاه می‌کند. پیازه و ویگوتسکی هر دو به نوعی به سازندگی گرایی اعتقاد دارند اما در میزان تأکیدی که بر زمینه اجتماعی دارند با یکدیگر متفاوت‌اند. پیازه بر اهمیت رشد شناختی فرد تأکید می‌کند؛ مراحل رشد از پیش تعیین شده کودک در نظریه وی اهمیت خاصی دارد و تعامل اجتماعی عاملی است که موجب می‌شود مراحل رشد در زمان مناسب انجام گیرد؛ درحالی که ویگوتسکی تعامل اجتماعی را اساس رشد شناختی می‌داند و به مراحل رشد از پیش تعیین شده التزام ندارد.

علم نشانه‌شناسی: به کاربرد سیستم نشانه‌ها، به‌ویژه زبان، برای ایجاد ارتباط اطلاق می‌شود. با توجه به نظریات ویگوتسکی، به کارگیری سیستم نشانه‌ها به‌ویژه زبان، برای انتقال از یک مرحله از رشد به مرحله دیگر ضروری است.

**کنش بین‌روانی و کنش درون‌روانی:** در نظریه اجتماعی - شناختی ویگوتسکی، بر فرهنگ و نوآوری مهم آن، یعنی زبان، تأکید زیادی شده است. بدون فرهنگ، کنش‌های عقلی به کنش‌های ذهنی ابتدایی محدود خواهند بود. با فرهنگ و زبان، کنش‌های متعالی ذهنی که در تفکر، استدلال و حافظه دخالت دارند ممکن می‌شوند. هر کنش در رشد فرهنگی کودک دو بار پدیدار می‌شود: یک بار در سطح اجتماعی و سپس در سطح فردی؛ ابتدا «بین‌افراد» (کنش‌های بین‌روانی) و سپس «درون کودک» (کنش‌های درون‌روانی) و شامل توجه ارادی، حافظه منطقی و تکوین مفاهیم می‌شود. منبع همه کنش‌های روانی از ارتباط بین افراد ناشی می‌شود.

کنش‌های ذهنی متعالی: فعالیت‌هایی مانند فکر کردن، درک کردن، سازماندهی کردن و به یاد آوردن را دربرمی‌گیرد. منشأ اصلی این کنش‌ها فعالیت‌های اجتماعی هستند که به‌طور جدایی‌ناپذیری با زبان گره خورده‌اند که خود نیز فعالیتی اجتماعی است. شایان ذکر است ویگوتسکی بین کنش‌های ذهنی ابتدایی و کنش‌های ذهنی متعالی تمایز قایل می‌شود. کنش‌های ابتدایی عبارت‌اند از توانایی‌های طبیعی که یاد گرفته نشده‌اند، مانند حس کردن و شنیدن که به تدریج و تحت تأثیر فرهنگ به کنش‌های متعالی ذهنی، مانند حل مسئله و تفکر تبدیل می‌شوند. به نظر ویگوتسکی، فرهنگ، زبان را ممکن می‌سازد و فرایندهای اجتماعی، فراگیری زبان را به همراه می‌آورند. زبان یا نشانه‌ها در نهایت، تفکر را ممکن می‌سازند.

گفتار بیرونی یا گفتار اجتماعی: این مرحله، اولین مرحله رشد زبانی در نظریه ویگوتسکی است و نقش آن، کنترل رفتارهای دیگران است. در این مرحله، استفاده کودک از زبان بسیار ابتدایی است و طی آن، سعی دارد مفاهیم ساده را بیان کند. گفتار خودمدار: گفتار خودمدار، مرحله دوم از سه مرحله‌ای است که ویگوتسکی برای رشد زبان قایل است و مراحل اول و سوم را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در این مرحله، کودکان معمولاً بلند بلند با خود صحبت می‌کنند و از این طریق رفتارهای خود را هدایت و نظارت می‌کنند.

گفتار درونی: مرحله سوم رشد زبان، مرحله با خود حرف زدن در سکوت است. این مشخصه، هم در گفتار کودکان و هم بزرگسالان وجود دارد و شانه هوشیاری است. این نوع گفتار هدایت تفکر و رفتار افراد را ممکن می‌کند و همچنین موجب فراهم کردن کنش‌های فکری متعالی در آنها می‌شود.

مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان... ۵۷

مرحله رشد درونی: از نظر ویگوتسکی در این مرحله از رشد، تفکر، درونی می شود و کودک می تواند روابط موجود میان اشیا و افراد را درک و از نشانه ها استفاده کند. اعمال درونی و بیرونی بر اثر تعامل مداومی که در این مرحله بین آنها پدید می آید به آسانی به یکدیگر تبدیل می شوند و موجب نزدیکی گفتار درونی و بیرونی می شوند.

مرحله طبیعی یا ابتدایی: در این مرحله، گفتار، ریشه فکری ندارد و منحصر به تولید صداهای بی معنی و کلمات ابتدایی است که مفهوم خاصی ندارند و تفکر نیز محدود به برخی کنش های رفتاری اولیه، مانند گریه کردن، حس کردن و شنیدن است.

منطقه مجاور رشد: به لایه ای از مهارت یا دانش که کمی بالاتر از توانایی حال حاضر کودک باشد اطلاق می شود. حضور فردی که دارای توانایی های مهارتی بیشتری باشد بهترین روشی است که از طریق آن می توان کودک را به لایه ذهنی بالاتر سوق داد. والدین و مربیان با انتخاب فعالیت هایی که کمی بالاتر از سطح توانایی کودک است و با آموزش اصول اولیه لازم می توانند به آنها کمک کنند که وارد منطقه بعدی رشد فکری شوند.

میانجیگری: محور روان شناسی ویگوتسکی میانجیگری است و به نقش بزرگسالان در بالابردن سطح آموزش کودکان از طریق انتخاب روش های آموزشی مؤثر اطلاق می شود. راز یادگیری کودک در تعامل اجتماعی با فرد یا افرادی نهفته است که از نظر دانش و مهارت در سطح بالاتری از او قرار دارند. میانجیگری به استفاده از ابزاری اطلاق می شود که به کودکان در حل مسئله یا دستیابی به یک هدف کمک می کند. مهم ترین این ابزار، چگونگی استفاده از زبان است که با میانجیگری می تواند به کودکان کمک کند وارد منطقه مجاور رشد شوند.

نقش بین فردی و درون فردی زبان: هنگامی که کودکان توانایی استفاده از زبان را به عنوان ابزاری برای حل مسئله کسب می کنند، زمانی است که گفتار اجتماعی (که برای مورد خطاب قرار دادن بزرگسالان به کار می رفته است) به درون بازمی گردد. یعنی زبان، علاوه بر نقش بین فردی، نقش درون فردی نیز می یابد. در این مرحله، کودکان الگوی رفتاری را که برای ارتباط با بزرگسالان به کار می بردند برای راهبرد خود نیز استفاده می کنند، یعنی رفتارهای اجتماعی را در مورد خود نیز به کار می برند.

#### کتابنامه

- Cam, P. 1995. *Thinking Together: Philosophical Inquiry for the Classroom*. Alexandria, NSW: Hale & Iremonger Pty Ltd.
- Lefrancois, G.R. 1991. *Psychology for Teaching*. USA: Wadsworth, Publishing Co.
- Matthews, G. 1980. *Philosophy and the Young Child*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- Olsen, R. & Kegan, S. 1992. "About Cooperative Learning", In: C. Kessler (ed.), *Cooperative Language Learning: A Teacher's Resource Book*, New York: Prentice Hall.
- Piaget, J. 1966. *The Origins of Intelligence in Children*. New York: International Universities Press.
- Richards, J.C. & Rodgers, T. 2001. *Approaches and Methods in Language Teaching*. UK.: Cambridge University Press.
- Sharp, A.M. 1991. "The Community of Inquiry: Education for Democracy", *Thinking*, 9(2), p.33.
- Splitter, L.J. & Sharp, A.M. 1995. *Teaching for Better thinking: The Classroom Community of Inquiry*. Melbourne, Australia: The Australian Council for Educational Research, Ltd.
- Traverso, G. 1997. "Community and Hermeneutic Rationality", *Analytic Teaching*, 17 (2), pp. 86-92.
- Vygotsky, L.S. 1962. *Thought and language*. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- \_\_\_\_\_. 1978. *Mind in Society*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- \_\_\_\_\_. 1981. "The Genesis of the Higher Mental Functions", In: J.B. Wertsch (ed.), *The Concept of Activity in Soviet Psychology*, Armonk, NY: ME. Sharpe.
- Williams, M. & Burden, R.L. 1997. *Psychology for Language Teachers*. UK.: Cambridge University Press.